

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش نهم

۰۳ مارچ ۲۰۱۴

کمونیسیت ها در رأس جنبش انقلابی اوچگیر

فشار ایتالیای فاشیست بر البانی و منقاد شدن زوغو، به عقد قرار داد های ایتالیا و البانی مؤرخ مارچ ۱۹۳۶ منجر شد که گام بزرگی در راه تبعیت باز هم بیشتر البانی از ایتالیای فاشیست برداشته شود.

در چنین شرایطی به موازات مبارزه با استثمار سرمایه داری و رژیم زوغو مبارزه با اسارتگران فاشیست پیوسته اهمیت بیشتری می یافت. بورژوازی البانی به رژیم زوغو سخت وابسته بود و با وجود تضاد های اقتصادی که بین او و سرمایه انحصاری ایتالیایی وجود داشت، نمی توانست مبارزه در راه حفظ آزادی و استقلال کشور را رهبری کند. حتی آن نیرو های دموکراتیک بورژوائی که پس از شکست قیام (فیر) به ادامه مبارزه با رژیم زوغو و تبعیت از ایتالیا دست زدند در اثر ناپایداری و فقدان سازمان قادر به رهبری جنبش ضد زوغو و ضد فاشیست نبودند.

اینک یگانه نیروی انقلابی که می توانست در مبارزه به خاطر تحصیل حقوق دموکراتیک و دفاع از آزادی و استقلال میهن در رأس توده های خلق قرار گیرد همان نیروئی بود که کمونیسیت ها تشکیل می دادند.

قیام (فیر) رژیم زوغو را لرزاند و سیاستش را از اعتبار انداخته بود. همانطور که علی کلمندی نوشت شاه مجبور شد «به مانور عوام فریبانه متوسل شود تا آن که دفع الوقت کند، پس از ضربه ای که خورده بود مهلتی بیابد و به تدارک تعرض جدید به ضد خلق پردازد.»

به این منظور در اکتوبر ۱۹۳۵ دولت جدیدی بر سر کار آورد که «لیبرال» بود و جنجال بسیار بر سر وعده های اصلاحات به راه انداخت.

در واقع سیاست دولت جدید دایر بر تقویت رژیم زوغو بود. معذالک کمونیسیت ها آزادی های دموکراتیکی را که دولت اعلام می داشت، اگر چه بسیار محدود بود، مورد استفاده قرار دادند تا به ابتکارات تازه ای برای سازمان دادن بیشتر طبقه کارگر، توسعه نفوذ خویش در توده های وسیع خلق دست بزنند.

در پائیز ۱۹۳۵ مهمترین مرکز کارگری کشور یعنی کوسوو (امروز کیتتی ستالین) که در آن موقع در اداره شرکت صاحب امتیاز آ.ای.پ. آ (شرکت ایتالیایی نفت البانی) بود به جنبش در آمد. قریب ۱۶۰۰ کارگر البانی در استخراج نفت و شعب فرعی آن کار می کردند. در اواسط ۱۹۳۴ هسته ای مخفی برای سازمان دادن اتحادیه کارگران نفت در کوسوو تشکیل شد که در ۱۹۳۵ جمعیت «پونا» (کار) را بنیاد نهاد. این جمعیت در آغاز قریب ۷۰۰ کارگر در صفوف خود داشت ولی یک سال بعد بیش از ۱۵۰۰ کارگر را متشکل ساخته بود و آن را در نومبر آن سال از طرف دولت به رسمیت شناختند.

با آن که به منظور گریز از موانعی که از طرف دولت در برابر وی کشیده شده بود در اساسنامه خویش اعلام داشت که به منظور «دفاع از شخصیت و منافع اعضای خود و کمک معنوی و مادی به آنها» به وجود آمده است. این جمعیت به زودی به سازمان کارگری انقلابی ضد زوغو و ضد فاشیست مبدل گشت.

جمعیت «پونا»ی کوسوو همچنان پیش از آن که به رسمیت شناخته شود بیان نامه ای به دولت و مجلس فرستاد مطالبه کرد که روز هشت ساعت کار بر قرار شود و مقرراتی به منظور بهبود شرایط مسکن، تغذیه و بهداشت و همچنین مقرراتی مربوط به بیمه اجتماعی وضع گردد. کارگران همچنین خواستار بودند که کارفرمایان خارجی، آنها را به دادن سلام فاشیستی مجبور نگردانند. نماینده دولت که به کوسوو اعزام شد مطالبات کارگران را نپذیرفت و کارگران از طریق اعتصاب کوتاه و نمایش به اعتراض برخاستند. آ.ای.پ. آ. با پشتیبانی دولت رهبران و سایر فعالان جمعیت «پونا» را اخراج کرد و با تعقیب نیات دشمنانه نسبت به البانی، روز ۲۸ نومبر را که روز جشن استقلال البانی است روز کار اعلام داشت. ولی جمعیت «پونا» در روز مذکور نمایش نیرومندی راه انداخت که علی الاصول به ضد فاشیست های ایتالیایی بود.

در دسمبر ۱۹۳۵ صفوف سازمان هائی که به ابتکار کمونیست ها به وجود آمده و تحت رهبری آنها بودند با تشکیل «اتحادیه کارمندان بخش خصوصی کورچا» که کارگران و کارمندان بازرگانی، رستوران ها، نانوائی ها، بانک ها و غیره را در بر می گرفت گسترش یافت. این اتحادیه چون از طرف دولت به رسمیت شناخته نمی شد، در حالت نیمه مخفی به فعالیت پرداخت.

کمونیست ها در رأس جنبش کارگری توده ئی ضد زوغو که هر دو در ۱۹۳۶ به مرحله نوینی از تکامل گام می گذاشتند قرار گرفته بودند.

جمعیت «پونا» در جنوری ۱۹۳۶ تصمیم گرفت که برای بر آورده ساختن مطالبات خویش به اعتصاب توسل جوید. نخستین کارگرانی که دست از کار کشیدند، ۴۰۰ کارگر بودند که در ساختن لوله نفت در اوژوتو در نزدیکی ولورا کار می کردند. کارگران مرکز برق کوسوو به آنها پیوستند و اعتصاب در ۱۱ فیروری جنبه همگانی یافت. دولت نیروی کثیری از ژاندارم ها را به سرکوب اعتصاب فرستاد و آنها که تحت فرماندهی شخص وزیر کشور قرار داشتند ۶۰ تن از پیشرو ترین کارگران را دستگیر کردند، ۳۰۰ نفر دیگر از کوسوو تبعید شدند و در شهر های مختلف پراکنده گشتند. اعتصاب همگانی پس از سه روز به دست ژاندارمری سرکوب شد و جمعیت «پونا» به این طریق عملاً از میان رفت.

اعتصاب همگانی با آن که شکست خورد اهمیت بسیار داشت و مکتب انقلابی کارگران بود. از طرف دیگر اعتصاب مذکور دولت را واداشت که، اگرچه به شیوه کاملاً صوری از کارفرمایان بخواهد که شرایط مناسبتری برای کارگران خویش فراهم آورند.

مقارن جنبش اعتصابی نامبرده، جنبش نیرومند توده ئی به ضد گرسنگی و به ضد رژیم زوغو در کشور گسترش یافت. پائیز ۱۹۳۵ بحبوحه بینوائی بود. هزاران تن از مردم در معرض مرگ از گرسنگی قرار داشتند. ارتش بیکاران فزونی

گرفت. ناخشنودی و خشم قشر های مختلف جامعه به ویژه توده های تهیدست شهر و ده در درجه اول علیه محترمان غلات متوجه بود که با کارمندان عالی‌رتبه رژیم همدستی داشتند. پیشه وران که در اثر رقابت تولید صنعتی در معرض ورشکستگی بودند نقش فعالی در این جنبش ایفاء می کردند. مبارزه آنها از این حیث که می پنداشتند تولید کوچک را می توان نگهداشت و از رشد تولید صنعتی می توان جلو گرفت مهر و نشان تخیلات خرده بورژوازی داشت. اما جنبش پیشه وران با وجود جنبه خیال اندیشانه مطالبات آنها علی الاصول جنبشی بود به ضد بینوائی و فقری که بر سراسر کشور دامن گسترده بود.

گروه کمونیست کورچا توانست از این وضع استفاده کند، در رأس توده های خلق قرار گیرد و به مبارزه آنان خصلت سیاسی دهد. فراکسیون های کمونیستی در جمعیت «پونا»، کارگران ساختمان، جمعیت های کفاشان، خیاطان و غیره به توسعه فعالیت دست زدند تا جنبش را متشکل سازند، آن را انبوه تر و منسجم تر گردانند و علیه رژیم زوغو توجیه کنند. روز ۲۱ فیروری ۱۹۳۶ نمایش عظیم ضد زوغو در کورچا روی داد که در تاریخ به نام «نمایش برای نان» معروف است. بر خورد های خونین با نیرو های ژاندارمری مانع نشد که کارگران و پیشه وران با دانشجویان دبیرستان ها که به آنان پیوسته بودند بعد از ظهر همان روز نمایش دیگری ترتیب دهند که با درگیری های باز هم شدیدتری برگزار گشت. «نمایش برای نان» در کورچا نخستین عمل توده ئی ضد زوغو بود که به دست کمونیست ها سازمان یافت و رهبری شد. این نمایش با آن که سرکوب گردید در سراسر کشور انعکاس عظیمی یافت و در مقامات و طبقات حاکمه هراس افکند. این نمایش، سر مشق و منبع الهام توده های خلق در سایر نواحی شد. نمایش های ضد گرسنگی در ژیروکاسترو، ساراندا، لسکوویک، بیلپشت، پاگراس، برات نیز برپا گردید. ناخشنودی توده های خلق از رژیم زوغو همچنین در نمایش های بزرگی که در جولای ۱۹۳۶ در ولورا و در اکتوبر همان سال در آلباسان روی داد، به ظهور رسید. در سپتمبر ۱۹۳۶ علی کلمندی به وسیله حکومت زوغو از البانی تبعید شد ولی پیش از آن که کشور را ترک گوید در ژیروکاسترو با انورخوجه که به تازگی به البانی باز گشته و به مثابه مبارز کمونیست فعال شناخته شده بود، ملاقات کرد.

ادامه دارد...